

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۲ فیروزی ۲۰۲۲

زمین لرزه‌ای در قزاقستان و سوءاستفاده از جنبش حق طلبانه زحمتکشان و نگاهی به جغرافیای سیاسی منطقه

مقدمه

اخیراً رخدادهای مهمی در قزاقستان، در آسیای میانه، پیش آمده است که حزب ما به این پدیده به صورت همهجانبه برخورد می‌کند، زیرا رویدادهای شبیه آن را در منطقه و در شرایط درگیری‌های ویژه جهان کنونی، نه تنها استثنائی نمی‌داند، بلکه بر این نظر هست که احزاب انقلابی باید یک سیاست عمومی و مشخص در برخورد به این نوع رویدادها اتخاذ کرده و همه مؤلفه‌های مهم را در تحلیل خویش، برای آن که به انحراف دچار نشوند، مد نظر قرار دهند.

بورژوازی نوحاسته متولد رویونیسم

یکم- سرزمین بزرگ قزاقستان فرزند ضدکمونیسم رویونیستی در آسیای میانه است. رژیم مافیائی این منطقه ادامه همان رژیم مافیائی موجود در شوروی بود و چیز جدیدی نیست. «نظربایف» و یارانش، که در رهبری حزب رویونیست شوروی قرار داشتند، همه ضدکمونیست بودند که با شعار «مارکسیسم - لنینیسم» برای فریب طبقه کارگر چهره خود را مخفی می‌کردند. وقتی شوروی سوسیال - امپریالیستی فرو ریخت، همه این ضدکمونیست‌ها، که در مرکز قدرت بودند، نظیر «نورسلطان نظربایف» در قزاقستان، «اسلام کریموف» در ازبیکستان، «صفرمراد نیازف» از ترکمنستان، «اصغر آقایف» در قرقیزستان و... سر از تخم خود درآوردند و ماهیت خود را، که دست پرورده «خروشچف» - «برژنف» بودند، نشان دادند. مبارزه نخست آنها برای استقلال سیاسی سرمایه‌دارانه و سرکوب کارگران و زحمتکشان بود و تا آنجا که توانستند احزاب کارگری و دموکراتیک را منحل ساختند. حزب ما همیشه گفته و تکرار می‌کند رویونیسم دشمن طبقه کارگر است و همدست امپریالیسم می‌باشد، چه در ایران و چه در جهان. این که قزاقستان به چنین روزی افتاده است، جای تعجب ندارد و تمام رویونیست‌های ایران می‌کوشند تا گذشته امپریالیستی شوروی را آرایش کنند و در طی زمان با شکست فضاحت‌بار مواجه خواهند شد. این پرده ابهامی که برای ناظران وجود دارد، پرده‌ای است که رویونیست‌ها بر جمهوری‌های ضدکمونیست شوروی سابق و احزاب رویونیست‌شان کشیده‌اند، تا کسی نتواند ماهیت رویونیسم و فاجعه‌ای را که به‌بار آورده است، ببیند و از آن برای آینده خودش تجربه انقلابی بیاموزد. رویونیست‌ها هنوز در ته دل از این دستگاه‌های مافیائی حمایت می‌کنند. ولی دست‌آورد این رژیم‌ها چه بوده است؟ باید به تحولات اخیر کشور قزاقستان نظر افکند.

چه شد که چنین شد؟!

دوم- بورژوازی مافیائی قزاقستان الزاماً گماشته روسیه نیست و برای قطع وابستگی‌های سابق خویش به بورژوازی نوخاسته شوروی نیز با نزدیکی به رقبای روسیه فعال است. نزدیکی این بورژوازی را به دولت ترکیه و یا غرب باید از همین جایگاه در نظر گرفت. رژیم سرمایه‌داری و مستبد «توکایف» با تعمیق سیاست‌های نئولیبرالی و دو برابر کردن قیمت گاز مایع و وارد ساختن شوک ناگهانی به جامعه، به ویژه بخش لایه‌های کارگری و فرودست و متوسط فقیر شهری، جرقه‌ای آفرید که فوراً به حریق تبدیل شد و ارکان رژیم الیگارش‌ی را به لرزه درآورد. فساد، دزدی و خویشاوندسالاری، دست‌بندی‌های مافیائی و رانت‌خواری به شدت در قزاقستان رایج است و اتفاقاً این پدیده ارثیه‌ی زمان اتحاد جماهیر ریزیونیستی شوروی است که سرانجام موجب فروپاشی «سوسیالیسم واقعا موجود» گردید. از اینرو نفرت از فساد و خویشاوندسالاری نخبگان و برگزیدگان سیاسی بسیار ژرف‌تر از آن است که رهبران سیاسی کشور تصور می‌کردند، خشمی که در عرض چند روز بخش بزرگی از جامعه را فرا گرفت و حتی گزارش‌هایی مبنی بر پیوستن بخشی از نیروی نظامی به معترضان و یا بی‌عملی آنها در برابر معترضان منتشر شده است. اختلاف طبقاتی در قزاقستان بسیار بزرگ است و آنها در کشوری که بسیار ثروتمند بوده و مثنی ریزیونیست‌های سابق آن را به عنوان مایملک خود به صورت خصوصی تصاحب کرده‌اند. برای روشن کردن علل طغیان زحمتکشان قزاقستان، نارضائی عمومی و سرانجام نفوذ عناصر تروریستی و سوء استفاده از این اعتراضات، به چند نکته مهم می‌پردازیم:

تحقق سیاست‌های نئولیبرالی

سوم- مدت‌هاست نئولیبرالیسم، سیاست جهانی‌سازی سرمایه در همه جهان است. در قزاقستان نیز چند دهه است که از طریق ابزار اعمال بازوهای اقتصادی استعماری، نظیر بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی، قراردادهای نواستعماری و چپاولگرانه و ریاضت اقتصادی را به مردم این کشور تحمیل کرده‌اند. شرط اساسی این سیاست ارتجاعی ایجاد محیطی از ترس، فقر، بیکاری، بی‌قانونی، فقدان امنیت شغلی است، تا در این بستر هولناک بتوانند انسان‌های مورد نظر خود و نیروی کار آماده و ارزان به خدمت اجباری و برده‌وار را به کار گیرند. شرکت‌های بزرگ امپریالیستی با سرمایه‌های کلان به کشورهای در حال توسعه و یا فاقد سرمایه‌های کلان تجاوز می‌کنند و بازار اقتصاد آنها را در دست قدرت خویش می‌گیرند. در اقدام نخست همه خدمات رفاهی دولتی را، که محصول ده‌ها سال مبارزه مردم و به ویژه طبقه کارگر و احزاب کمونیستی بوده است، به تدریج به بهانه این که دولت‌ها، کارفرمای خوبی نیستند و قادر نیستند تولید را با سود دهی و به صورت اقتصادی به پیش برند، در دشمنی با آرمان‌های سوسیالیسم از نقش دولت در اقتصاد می‌کاهند و دست مردم را از همه جا کوتاه می‌کنند. دولت‌های فاسد و بخشی از سرمایه‌داری کمپرداور و خود فروخته با یاری بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به همکاری با سرمایه‌های خارجی پرداخته و تمام شرایطی را که این ابزار بین‌المللی استعماری و استثمارگری به کشورها تحمیل می‌کنند، می‌پذیرند.

سیاست نئولیبرالی در قزاقستان - همانند سایر کشورها - فاجعه آفرید و در درجه نخست با اعمال استبداد و سرکوب مقاومت مردم و برچیدن حداقل حقوق دموکراتیک آغاز گردید. رژیم سرمایه‌داری «توکایف» حتی حضور حزب ریزیونیست و سازشکار در صحنه سیاست را برنتابید و همه جریان‌های سیاسی منتقد را منحل و غیرقانونی اعلام نمود تا مزاحمتی بر سر راه اجرای سیاست‌های خانمان‌برانداز نئولیبرالی ایجاد نگردد. امروز قزاقستان به مظهر استعمار جمعی بدل شده است که خام‌فروشی می‌کند.

سرمایه‌گذاری‌های خارجی و منافع جمعی امپریالیستی

چهارم- قزاقستان به طورگسترده در رسانه‌های داخلی و خارجی به عنوان متحد نزدیک روسیه توصیف می‌شود، روسیه بخشی از خاک قزاقستان را تا سال ۲۰۵۰ برای آزمایشات راکتی خود اجاره کرده است. قزاقستان دارای یک میلیون و ۵۰۰ هزار تن ذخایر اورانیوم است و از این لحاظ سومین تولیدکننده اورانیوم در جهان محسوب می‌شود و در تولید اورانیوم همکاری‌های نزدیکی با روسیه دارد.

در سال ۲۰۱۵ با عقد یک معامله بزرگ، که بالغ بر ۱،۱ میلیارد دالر (۹۳۰ میلیون یورو) رقم خورد، به شرکت نفتی Sinopec متعلق به دولت چین، امکان خرید شرکت قزاق را، که نماینده «لوک اویل» (Lukoil) روسیه بود واگذار کرد.

چین امروز کنترل بیش از یک چهارم تولید محلی نفت و گاز را در قزاقستان در اختیار دارد؛ صاحب یک خط لوله نفت و گاز در خاک قزاقستان است که منشأ آن (به ترتیب از بحیره خزر و ترکمنستان) می‌باشد. شرکت ملی نفت چین (CNPC) هم چنین مالکیت ۵۰ درصد پالایشگاه «شیمکنت»، یکی از سه پالایشگاه قزاقستان را، که بتازگی نوسازی شده است، در اختیار دارد.

اما حکومت قزاقستان با امریکا نیز همکاری‌های نزدیکی دارد. شرکت‌های امریکائی نیز منافع عمده‌ای در این کشور دارند؛ به عنوان مثال: «تنگیزچورویل» یک شرکت چند ملیتی است که شرکت «شورون» ۵۰ درصد و «اکسون موبایل» ۲۵ درصد (Chevron-ExxonMobil) از آن را در اختیار دارند. قزاقستان با شرکت هالندی «رویال داچ شل» (Royal Dutch Shell) (گروه GB آن زمان) و شرکت ایتالیائی «انی» (Ente Nazionale Idrocarburi - ENI)، که سابق «آجیپ» (AGIP) بود، برای مدیریت مشترک میدان نفتی «کاراشاگانک» قرارداد بست.

در جریان اجلاس مجمع جهانی اقتصاد در سن پترزبورگ، رئیس جمهور قزاقستان در جون ۲۰۱۶ خاطر نشان کرد: «روس‌ها در بیش از شش هزار شرکت در قزاقستان مشارکت و سهام دارند». علاوه بر این، قزاقستان با موقعیت بسیار استراتژیک کشوری کلیدی برای پروژه عظیم «جاده ابریشم» چین است و بیجینگ نیز نگران بی‌ثباتی قزاقستان است. اگرچه تونی بلینکن، وزیر امور خارجه امریکا، از بی‌ثباتی در قزاقستان ابراز نگرانی کرد، لیکن اگر فرصتی در این کشور با هر انگیزه‌ای حتی خارج از کنترل او به وجود آمده باشد و بتواند چوب لای چرخ پروژه «جاده ابریشم» چین نهد، از آن استقبال خواهد کرد.

کشور فرانسه نیز سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در قزاقستان کرده است. فرانسه از جمله ۵ سرمایه‌گذار بزرگ در اقتصاد قزاقستان است و حجم کلی سرمایه‌گذاری این کشور از سال ۲۰۰۵ میلادی تاکنون ۱۷ میلیارد دالر را تشکیل داده است و به نظر نمی‌رسد فرانسه به خاطر منافع اقتصادی خود موافق بی‌ثباتی و هرج و مرج در این کشور باشد. کلیه ممالک امپریالیستی غرب و شرق با بی‌ثباتی قزاقستان، که منافع آنها را بدون کنترل خود آنها به خطر بیندازد، مخالفاند.

طغیان کارگری

پنجم- رویدادهای کارگری و اعتصابات عظیم آنها روسیه و چین را نیز غافلگیر کرد. بسیاری از رسانه‌های جمعی و کانال‌های تلویزیونی و مدافعان شرقی حکومت «توکایف» به طور کلیشه‌ای از «انقلاب رنگی یا مخملی» نوع بلاروسی، تاجیکی و اوکراینی.... سخن گفتند. اما همگی بعد از چند روز ناچار به تصحیح این نگاه شتابزده پرداختند

و مجبور به عقب‌نشینی گشتند. بدون هیچ تردیدی طغیان توده مردم ریشه در شکاف طبقاتی برآمده از سیاست نئولیبرالیسم سرمایه‌داری، فقر عظیم و سرکوب و خفقان سیاسی داشت که کمتر از آن سخن می‌رود.

وضعیت طبقه کارگر قزاقستان

ششم- کارگران قزاقستان، به ویژه در شهر ژاناوزن اولین اعتراض‌کننده‌های ضدنئولیبرالی بودند. در دسمبر سال گذشته قزاقستان با موجی از تورم مواجه شده بود. قیمت‌ها ۲ تا ۳ برابر افزایش یافت. در مسیر اصلاحات نئولیبرالی و خصوصی‌سازی، بسیاری از کسب و کارهای آنجا تعطیل شدند. تنها بخشی که هنوز در اینجا فعال است، تولیدکنندگان نفت هستند. اما بخش بزرگتر آن متعلق به سرمایه خارجی است. تا ۷۰ درصد از نفت قزاقستان به بازارهای غربی صادر می‌شود، اکثر سودها هم به جیب مالکان خارجی می‌رود. وقتی که شرکت «تنگیزاویل» چهل هزار کارگر را با یک فرمان در منطقه آتیران اخراج کرد، این امر به شوک واقعی برای کل منطقه غربی قزاقستان تبدیل شد. دولت «توکایف» کارگران اخراجی را به حال خود رها کرد. این در حالی است که یک کارگر نفت‌گر نان‌آور ۱۰-۵ عضو خانواده است. چنین سیاست ویرانگرانه‌ای کارگران و تمام خانواده آنها را محکوم به فقر و گرسنگی کرد.

«آینور کورمانوف»، یکی از سخنگویان جریان‌های اپوزیسیون دولت قزاقستان در مصاحبه ششم جنوری درباره وضعیت وخیم کارگران بیان داشت: «که توزیع نامتوازن تولید ملی مؤلفه قابل توجه فساد را به دنبال داشته است. همه اصلاحات نئولیبرالی را انجام می‌دهند، اما شبکه تأمین اجتماعی را حذف کرده‌اند و به احتمال زیاد، مالکان شرکت‌های چندملیتی برآورد کرده‌اند ۵ میلیون نفر برای سرویس «لوله» لازم است، بخش اعظم بیش از ۱۸ میلیون نفر مردم قزاقستان زیادی هستند و به همین خاطر شورش‌ها به شیوه‌های بسیاری ضداستعماری‌اند. سببی که اعتراضات کنونی در آنها ریشه دارد، شیوه عمل سرمایه‌داری است؛ قیمت گاز مایع واقعاً در تجارت الکترونیک افزایش یافت. توطئه‌ای از سوی انحصاراتی که از صدور گاز به خارج سود می‌برند، وجود داشت، ایجاد کمبود و افزایش قیمت گاز در بازار داخلی. از اینرو خود آنها شورش‌ها را تحریک کردند. اما، باید یادآوری کرد که انفجار اجتماعی کنونی مستقیماً علیه تمام سیاست اصلاحات سرمایه‌داری است که در طی ۳۰ سال گذشته به اجراء در آمده‌اند و نتایج ویرانگری داشته‌اند».

پس بی‌دلیل نیست که کارگران و توده زحمتکش و جوانان آغازگر این اعتراضات باشند. اعتراض‌های تودمی در ۲ جنوری ۲۰۲۲ شروع شد. اولین تظاهرات بدون اجازه مقامات در غرب قزاقستان، در منطقه مانگیستائو، قلب شرکت‌های بزرگ تولید نفت آغاز گردید. ژاناوزن، که ۱۰ سال قبل اعتصاب کارگران آن با بی‌رحمی سرکوب شد، و طی آن سرکوب ۱۵ اعتصاب‌کننده کشته و صدها نفر زخمی شدند، در همین‌جا برگزار شد.

لغو فوری افزایش قیمت سوخت، تضمین حق کارگران برای ایجاد اتحادیه‌های مستقل کارگری، احزاب سیاسی، آزادی تمام زندانیان سیاسی، حق برگذاری اعتصابات و اجتماعات، قانونی شدن فعالیت احزاب ممنوعه از جمله، حزب «کمونیست» قزاقستان (حزب رویونیست - توفان) و جنبش سوسیالیست قزاقستان، که در خلال هفته‌های اخیر بیانیه‌هایی در دفاع از حقوق کارگران انتشار داده است، ملی کردن صنعت استخراج نفت و صنایع بزرگ کشور... از جمله مطالباتی بود که توسط کارگران و محافل کارگری طرح شد. حتا خواست استعفای فوری همه مقامات فاسد و دزد نظیر «نظر بایف» و شخص رئیس جمهور «توکایف» نیز مطرح گردید.

این اعتراضات عمومی و مسالمت‌آمیز مردم در بدو امر «توکایف» را مجبور کرد عقب‌بنشیند و وی به جلسات معترضان رفت و اعلام نمود که «مجدداً یارانه گاز پرداخت می‌شود» و بخشی از مطالبات معترضان را نیز پذیرفت. اما اعتراضات مردم ادامه یافت و شدت گرفت.

«جنبش سوسیالیستی» قزاقستان در بیانیه‌ای اعلام کرد که کارگران «در شرکت نفت «شورون»، که یکی از بزرگترین شرکت‌های چندملیتی است، در غرب قزاقستان در ۴ جنوری دست به اعتصاب زدند. در همان روز، کارگران اعتصابی توسط کارگران نفت در مناطق آکتوب، قزاقستان غربی و قیزیلوردا حمایت شدند. علاوه بر این، در همان روز، معدنچیان شرکت آرمورمیتال تمیرتائو در منطقه کاراگاندا و معدنچیان مس و معدنکاران شرکت قزاقمیس دست به اعتصاب زدند. به عبارت دیگر اعتصاب کارگران به یک اعتصاب عمومی تبدیل شد و بر مطالباتی نظیر افزایش دستمزد، کاهش سن بازنشستگی و حق داشتن اتحادیه‌ها و اعتصابات تاکید گردید». اعتراضات از غرب قزاقستان و مناطق نفت‌خیز بحیره خزر، به سمت شرق و به بزرگترین شهر کشور، آلماتی، پایتخت سابق قزاقستان گسترش یافت.

سازماندهی ضدانقلاب

هفتم- امروز تنها ۷ حزب و تشکل هوادار دولت باقی در صحنه سیاست حضور دارند. اما در این کشور تعداد زیادی سازمان‌های غیردولتی (ان جی او) فعال وجود دارند، که در ترویج برنامه‌های هوادار غرب فعالانه با مقامات همکاری می‌کنند. موضوعات تبلیغاتی و مورد علاقه آنها قحطی دهه ۱۹۳۰، تجدید اسکان شرکت‌کنندگان در جنبش ضدکمونیستی و اسلام‌گرایی با سماچی و همدستان نازی‌ها در جنگ جهانی دوم و غیره است. سازمان‌های غیردولتی (ان جی او) روی توسعه «جنبش ناسیونالیستی» هم به شدت فعالیت می‌کنند، که در قزاقستان کاملاً هوادار دولت هستند.

دولت قزاقستان برای مبارزه با نفوذ روس‌تباران، که از زمان شوروی ساکن قزاقستان بوده و در آنجا تشکیل خانواده داده و حدود ۴۰ درصد مردم قزاقستان را شامل می‌شدند، با سیاست دولتی کوچ‌دادن شهروندان تُرک‌تبار به مناطق شمالی و عمدتاً روس‌نشین، قصد داشت و دارد ترکیب منطقه را تغییر دهد. دولت «برادر» قزاقستان با ایجاد تضییقات برای اتباع روس‌تبار خود، «گشت‌های کنترل زبان» ایجاد کرد تا با تحقیر شهروندانی که زبان قزاقی را بخوبی صحبت نمی‌کنند، آنان را «قزاقیزه» نماید. مقامات دولتی و بورژوازی نوحاسته دوران شوروی به عمد برای مدت طولانی چشم خود را روی این اعمال تبعیض‌آمیز بسته بودند.

چنین سیاستی توسط بسیاری از سازمان‌های غیردولتی (NGO) طرفدار غرب مستقر در قزاقستان بسیار مورد استقبال قرار گرفت. خود مقامات قزاقستان در حالی که از اتحاد اورآسیا حمایت می‌کنند، اما در عین حال با پایتخت‌های غربی مناسبات حسنه برقرار کرده و حتی روابط با ایالات متحده را به سطح «مشارکت ستراتیژیک گسترده» رسانده‌اند. هر سال تمرینات نظامی مشترک با ناتو در قزاقستان برگزار می‌گردد. با مشارکت امریکائی‌ها آزمایشگاه‌های زیستی (بیو لابراتوار) متعددی در این کشور پهناور راه‌اندازی شده که تحقیق در مورد آنها پرسش‌های بسیاری را در بین کارشناسان داخلی و خارجی ایجاد کرده است. دولت قزاقستان با ترکیه وارد روابط تنگاتنگ شد و دست آنها را برای اعمال نفوذ در قزاقستان باز گذارد. به پان‌تورانیسم و اسلام‌گرایی جهادی میدان داد و به مرکز مداخله ترکیه و خرابکاری آنها در آسیای‌میانه بدل شد. هم اکنون راه برای تبلیغات حرکت سنتی اسلام‌گرایی ترک به نام «باسماچی»، که بعد از سرکوبش به همدست نازی‌های آلمان بدل شد، باز کرده‌اند و آن را به عهده این سازمان‌های غیردولتی قرار داده‌اند. این فاشیست‌ها در جنگ جهانی دوم در کنار ارتش آلمان به ضد سوسیالیسم دوران ستالین می‌رزمیدند و حال بورژوازی نوحاسته باقیمانده از شوروی می‌خواهد انتقام خود را از رفیق ستالین بگیرد.

در مورد این «باسماچی»ها می‌توان به مُطلعان رجوع کرد که بیان کرده‌اند: «در سال ۲۰۱۷، بنای یادبود مصطفی چوکای، الهامبخش لژیون ترکستان ورماخت، در قیزیل - اوردا ساخته شد. امروز دولت در حال تجدید نظر اساسی در تاریخ است. این روند به ویژه پس از سفر چند سال پیش نورسلطان نظربایف به امریکا شدت گرفت. جنبش پان ترکیش نیز فعال‌تر می‌شود. اخیراً به ابتکار نورسلطان نظربایف، اتحادیه کشورهای ترکیه در ۱۲ نومبر ۲۰۲۱ در ستانبول تأسیس شد.»

در اسنادی که در مورد رویدادهای قزاقستان منتشر شده‌اند، از جمله گفته می‌شود که نمی‌توان این امکان را کاملاً منتفی دانست که همه اقدامات این نیروها از یک مرکز هماهنگ شده با نیت بی‌ثباتی قزاقستان ناشی می‌شده است. با این حال، رهبری قزاقستان نمی‌تواند این واقعیت را کتمان کند که مقامات قزاقستان برای مقابله با نفوذ روسیه با فعالیت‌های نیروهای طرفدار غرب، باسماچی‌ها، اسلام‌گرایان جهادی مدارا کردند و نسبت به اسلام‌گرایان تکفیری، که هزاران نفر در سوریه به جنایت دست زدند، نگرش آشتی‌جویانه داشتند و از مسوولیت خود شانه خالی کردند. کمیته امنیت ملی درخواست‌های متعدد برای ممنوعیت فعالیت‌های سلفی‌ها (وهابیون) را رد کرده است. مبلغان وهابیت، که در عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی آموزش دیده بودند، در قزاقستان مشغول فعالیت بودند و هستند.

به اساس گزارش روسیه امروز در تاریخ ۹ جنوری ۲۰۲۲، این اعتراضات از سوی ناسیونالیست‌ها صورت می‌گیرد «در یکی دو سال گذشته، ما شاهد تلاش‌هایی از سوی دولت برای معاشقه با ملی‌گرایان و گروه‌های طرفدار غرب از طریق اقدامات ضد روسیه بودیم. با انجام این کار، نخبگان حاکم با جمعیت روسی‌زبان قزاقستان، که در کنار روسیه بودند، مخالفت کردند...» [در نتیجه، حزب حاکم در انتخابات پارلمانی جنوری ۲۰۲۱ بیش از یک میلیون رأی از دست داد.»

در حال حاضر احزاب انتخاب دموکراتیک قزاقستان (DVK) و اوپان قزاقستان (OQ)، که از گروه‌های اپوزیسیون طرفدار غرب هستند، در تلاش‌اند تا به طور فعال اعتراضات را رهبری کنند و از آنها برای پیشبرد اهداف خود استفاده کنند. به گفته «مندکوویچ» دقیقاً به همین دلیل، تمایل دولت برای برآورده کردن خواسته‌های اقتصادی تظاهرکنندگان نتوانست به نآرامی پایان دهد، بلکه به عکس، تظاهرکنندگان را رادیکال‌تر کرد و آنها را به طرح مطالبات صرفاً سیاسی برانگیخت.

«رومن جونمن»، سیاستمدار روسی، که ۱۸ سال اول زندگی خود را در قزاقستان گذرانده است، با «مندکوویچ» موافق است که ناسیونالیست‌ها اساس جنبش اعتراضی هستند. او گفت: «این لیبرال‌ها [...] ملی‌گراها و میهن‌پرستان هستند. به همین دلیل است که بسیاری از آنها را می‌بینید که با پرچم ملی در خیابان‌ها راه می‌روند و حتی سرود قزاقستان را می‌خوانند.» «جونمن» خاطرنشان می‌کند که اعتراضات امروز بزرگترین اعتراضات در تاریخ قزاقستان مستقل است.

تروریسم ماهر، با تجربه و مترصد

هشتم- اعتراضات و اعتصابات کارگران و توده زحمتکش، که به صورت خودجوش و مسالمت‌آمیز آغاز شده بود، بارخنه گروه‌های تروریستی، مسلح، سازمان‌یافته و نقاب‌دار روبه رو شد، که می‌خواستند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. به ناگاه گروه‌هایی به ساختمان شهرداری هجوم بردند، به پاسگاه‌های پولیس و انبارهای اسلحه حمله کردند، حتا گزارش شده است که سر دو پولیس را به شیوه داعش از بدن‌شان جدا کرده‌اند. گروه‌های مسلح نقابدار با سوءاستفاده از

شرایط بحرانی و سوار شدن بر اعتراضات مردم، که به دنبال کسب حقوق دمکراتیک خود بودند، دست به تخریب و ترور زدند.

روز ۵ جنوری، یعنی تنها دو روز بعد از اعتراضات کارگری، به مراکز دولتی در کلان‌شهر آلماتی، که مرکز اقتصادی کشور به شمار می‌رود، حمله کردند و مقر ریاست جمهوری را به آتش کشیدند. آنها اقدام به تخریب بنای یادبود «نورسلطان نظربایف»، رئیس جمهوری سابق، در شهر تالدی قورغان قزاقستان، مرکز منطقه آلماتی کردند. به نوشته رسانه‌های روسیه، معترضان تلاش کردند مجسمه «نظربایف» در این شهر را با طناب فرواندازند و بنای بزرگداشت او را از بین ببرند. ویدئوی این اقدام معترضان در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است. این اقدامات تنها منجر به تخریب مبارزات کارگران می‌شد.

گروه‌های جنایتکار ملی‌گرای تورانیستی و اسلام‌گرای جهادگرای با تجربه و کارکنان نظامی و تبحر سازماندهی و فعالیت نظامی بخوبی در عملیات و مانورهای آنها مشهود بود. به خصوص در آلماتی، که به طور سنتی سنگر نفوذ لیبرالیسم در نظر گرفته می‌شد، کار تا آنجا پیش رفت که جنگ خیابانی مسلحانه شکل گرفت. در آلماتی دفاتر بسیاری از سازمان‌های غیردولتی طرفدار غرب و ملی‌گرا و شونیست تورانیستی قرار دارد. جنایتکاران مرتبط با این گروه‌ها نقش مهمی در این تخریب ایفاء کردند. حملات هدفمند به دادستان‌های عمومی و سرویس‌های ویژه، آتش‌زدن امکان عمومی، مصادره اسلحه، کشتار در مغازه‌ها و سایر مؤسسات عمومی، حمله به مقر ریاست جمهوری، آتش‌زدن ساختمان شهرداری، حمله به سازمان امنیت و تخلیه اسلحه‌خانه آن و توزیع سلاح‌های گرم میان معترضان، آتش‌زدن اموال و وسایل نقلیه عمومی، بانک‌ها، اشغال شبکه تلویزیونی «میر»، اشغال فرودگاه شهر، که تنها راه ورود و خروج هوایی از قزاقستان است و در اختیار گرفتن پنج هواپیما و این در حالی بود که همه این اقدامات مسلحانه، ماجراجویانه و با اطلاع از قطع شبکه مجازی با توسل به استفاده از دستگاه‌های ارتباطی بی‌سیم انجام می‌شد و همه اینها مؤید این امر بود که داستان ناپاکی هم در جریان بود. این که در عرض مدت کوتاهی این تروریست‌ها توانستند یک جنبش مسالمت‌آمیز را استحاله کرده و کل جنبش را مصادره کنند حاکی از تدارک قبلی آنها برای چنین روز‌هایی بوده و در آینده نیز خواهد بود. تنها چند هزار متعصب اسلام‌گرای قزاقستانی وجود دارند که در سوریه با همکاری دولت ترکیه برای سرنگونی دولت مشروع و قانونی بشار اسد جنگیده‌اند. حال به تدریج به سرزمین اجدادی خویش بازگشته و بازمی‌گردند. حال آنها به میدان‌دار اصلی جنبش اعتراضی بدل شدند. واضح است که اقدامات تخریبی توسط کسانی انجام شده است که هیچ ارتباطی با اکثر معترضان نداشتند. مصادره رهبری مبارزه کارگران توسط این جریان‌های ضدانقلابی طبیعتاً تأثیرات ژئوپلیتیکی در منطقه داشته و به شکل‌گیری جبهه شرق و احداث جاده ستراتیژیک ابریشم ضربه می‌زند و عواقب خطرناک برای تحولات سیاسی و منافع ملی کشورها در منطقه دارد.

چنین شیوه‌ای هیچ سنخیتی با سنت مبارزاتی کارگران و مردم قزاقستان نداشته است. همین امر سبب شد که مبارزه کارگران و زحمتکشان و توده ناراضی به حاشیه رانده شود. فضای سرکوب و خفقان تشدید شد و اعتراضات مردم به جنگ و گریز خیابانی، که شباهت به درگیری‌های لیبیا و سوریه داشت، بدل گشت.

«نیکول پاشینیان»، نخست‌وزیر ارمنستان، که خودش توسط حمایت غرب و فریب مردم با «انقلاب مخملی» بر مسند قدرت نشسته است، روز دوشنبه ۱۲ جنوری در اجلاس مجازی «سازمان پیمان امنیت جمعی» با اشاره به اعتراضات مردم قزاقستان به مداخله ترکیه در این کشور اشاره کرد و گفت: «اخیراً ارمنستان نیز در منطقه با تروریسم بین‌المللی مواجه بوده است. ما همچنان با تهدیدات جدیدی مواجه هستیم. شرایط فعلی در قزاقستان نگرانی ویژه‌ای ایجاد می‌کند،

خصوصاً که ما گزارشاتی مبنی بر دخالت تروریست‌های بین‌المللی در این ناآرامی‌ها دریافت کرده‌ایم. در جنگ قره‌باغ در پائیز ۲۰۲۰، ترکیه از آذربایجان حمایت نظامی کرد و مزدورهای تروریست را از خاورمیانه به محل مناقشه آورد تا علیه قره‌باغ بجنگند».

به گزارش خبرگزاری اسپوتنیک، «ارلان کارین»، معاون ریاست جمهوری قزاقستان در رابطه با اعتراضات مردم و تحولات خونین اخیر گفت: «ناآرامی‌ها در این کشور محصول یک حمله تروریستی هیبریدی (جنگ ترکیبی) بود که با مشارکت عوامل داخلی و خارجی و با هدف سرنگونی دولت انجام شد». وی این حمله را در راستای بی‌ثباتی و تدارک کودتا تعبیر کرد و گفت: «این توطئه از سوی عوامل داخلی و خارجی تدارک دیده شده بود و صرف‌نظر از گروه‌های تروریستی، حملات جنبه اطلاعاتی نیز داشته‌اند». وی در ادامه گفت: «درست نیست که این حوادث را تلاشی برای «انقلاب رنگی یا مخملی» ارزیابی کنیم، چرا که با توجه به شرایط ویژه کشور، این سناریوها مؤثر نیستند». تشدید اختلافات قومی، جنگ قدرت میان الیگارش‌های مختلف تحت رهبری «نظربایف» و «توکایف» و تصفیه حساب‌های این چینی و دست داشتن بخشی از هیأت حاکمه در درگیری‌های اخیر نیز دور از واقعیت نیست. این احتمال را سیر رویدادها در آینده نشان خواهد داد.

نقش ترکیه

نهم- ترکیه تنها کشوری است که فاقد سرمایه‌گذاری‌های کلان در قزاقستان بوده و بی‌ثباتی این کشور برایش منافع آبی و درازمدت دارد. ترکیه به قزاقستان از نظر جغرافیای سیاسی نیاز دارد. در اختیار گرفتن بزرگترین فرودگاه قزاقستان در آلماتی دست ترکیه را در کنترل یک نقطه ستراتیژیک مهم در قزاقستان بازگذاشته است. ترکیه همین روش را در گرجستان و فعلاً در افغانستان در رأس سیاست‌های خویش قرار داده است، تا بدین وسیله بر مناطق ترک‌تبار گرجستان در منطقه بندر باتومی و ترک زبان افغانستان مسلط گردد.

ترکیه، که درآمدش اساساً از طریق تجارت تأمین می‌گردد، ترجیح می‌دهد که خود را به عنوان تنها راه مطمئن انتقال کالا از طریق چین به اروپا معرفی نماید و سر نخ جاده ابریشم را در دست بگیرد. به هم‌خوردن وضعیت قزاقستان بخت ترکیه را برای این که ارتباط چین با روسیه را قطع کرده و در مرز چین برای تحریکات دینی و ناسیونالیستی با ایغورستان، همسایه شود، فراوان است. از این طریق ترکیه در پشت جبهه روسیه نیز برای نفوذ در اوکراین و قفقاز به اخلال می‌پردازد.

اخیراً بی بی سی به تأثیرات تحولات قزاقستان در ترکیه پرداخته و به نقش آنها در این رویدادها اشاره می‌کند که نقش منصفانه و بی‌طرفانه‌ای نیست، اظهارات و اسنادی که مشاهده می‌کنید در تأیید سیاست‌های ستراتیژیک ترکیه در آسیای میانه است. روزنامه «ینی‌شفق» یک نشریه پان‌ترکیستی ضدایرانی است که مرتب برای تجزیه ایران تبلیغ کرده و از حامیان سیاست‌های پان‌ترکیستی و پان‌تورانیستی اردوخان در منطقه است. «یوسف کاپلان» ستون‌نویس و «ابراهیم کاراگل» سردبیر ملی‌گرای نژادپرستانه این نشریه از یاران نزدیک اردوخان و حامی سیاست‌های بلندپروازانه وی هستند.

«یوسف کاپلان»، ستون‌نویس روزنامه «ینی‌شفق» گفته است: «مداخله روسیه در اعتراضات قزاقستان راه آنها را برای «اشغال» این کشور همسایه هموار کرده است».

«او پرسیده است: «آیا این روسیه نمی‌تواند تظاهرات را تدارک ببیند، بین مردم اسلحه توزیع کند، از پنجره ساختمان‌ها به مردم شلیک کند و بعد از آنها بخواهند برای نجات قزاقستان از این هرج و مرج، به این کشور کمک کند؟» نویسنده

می‌افزاید که روسیه «یک بازی بسیار خبثت‌آمیز را در آسیای مرکزی به راه انداخته» و انگیزه آن را ضربه زدن به «ابتکار ترکیه برای گرد هم آوردن کشورهای ترک» دانسته است. (تکیه از توفان)

دولت ترکیه در سال‌های اخیر تلاش فراوانی برای تقویت روابط با کشورهای آسیای مرکزی به کار گرفته و رجب طیب اردو خان، رئیس‌جمهور ترکیه، رئیس‌کنونی سازمان «دولت‌های ترک» است، که جدیدترین اجلاس آن در نومبر ۲۰۲۱ در ستانبول تشکیل شد. «نظر بایف» نیز در آن شرکت داشت.

این اظهارات نشان می‌دهد که دولت اشغالگر و متجاوز ترکیه بشدت از «اشغال» قزاقستان، که آن را بدون مرز مشترک «همسایه» خود تعریف می‌کند، «اشغالی»، که بر مبنای توافقات دولتی میان پاره‌ای دول آسیای میانه، ارمنستان، روسیه سفید و دولت روسیه بوده است، بشدت ناراحت است و آن را محصول دسیسه روسیه جلوه می‌دهد. ترکیه اجباراً تأیید کرده که اقدامات تروریستی در قزاقستان انجام شده، ولی همه آنها را پس از شکست به گردن روسیه انداخته و آن را ساخته و پرداخته دست روسیه عنوان می‌کند. این تئوری‌های توطئه طبیعتاً برای مذاق ناسیونال - شونیست‌های ترک خوشایند است.

«ابراهیم کاراگل»، ستون‌نویس دست‌راستی و پان‌ترکیست دیگر روزنامه «ینی‌شفق» نوشته است که کمک نظامی خارجی باعث شد که هم دولت قزاقستان و هم معترضان بازنده شوند. او در مورد درگیری بیشتر در آسیای میانه هشدار داده و گفته است که: «این یک جنگ قدرت بین ایالات متحده و اروپا با [بلوک] وابسته به چین و روسیه است». این نویسنده طرفدار دولت ترکیه افزوده است: «که کشورش با این روند مبارزه می‌کند و این دیدگاه رئیس‌جمهوری ترکیه را تکرار کرده که «ترکیه یک قدرت در حال ظهور است». آقای «کاراگل» در نوشته‌های خود معمولاً این نظر را مطرح می‌کند که قدرت‌های جهانی شرق و غرب مشغول توطئه علیه ترکیه هستند تا مانع از «ظهور این قدرت جدید» شوند.»

بی بی سی گزارش می‌دهد: «محدث ایشیک»، کارشناس امور امنیتی، به روزنامه «ینی‌عقد»، که یک نشریه اسلامگراست، گفته است که روسیه از بهبود روابط قزاقستان با ترکیه «براشفته است». روزنامه حریت، رسانه طرفدار دولت، مداخله روسیه در قزاقستان را تیتیر اصلی صفحه اول خود قرار داد. این روزنامه مداخله سازمان پیمان امنیت جمعی را به عنوان «عملیات نجات قاسم جومرت توقایف»، رئیس‌جمهوری قزاقستان، و «نخبگان» وابسته به حکومت توصیف کرده اما هشدار داده است که مشاهده سربازان روسی در کشوری، که یک اقلیت ۳،۵ میلیونی روسی همچنان در آن سکونت دارد، «می‌تواند احساسات ضد روس را در میان مردم برانگیزد».

«گورسل توکما اوغلو»، وابسته نظامی سابق ترکیه در قزاقستان، به شبکه خبری «هابر»، که از دولت ترکیه حمایت می‌کند، گفته است که اعزام سربازان روسی یک «تصمیم سیاسی» بوده است. او این اقدام را «یک حرکت شطرنج» توصیف کرده و گفته است که ادعای دخالت خارجی در اعتراضات، بهانه دست زدن به این حرکت شده است. روزنامه آکشام اظهارات «ایری گوچونلر»، از استادان دانشگاه را منتشر کرده که هشدار داده است که روسیه باید از اقداماتی که آن کشور را در مقابل «جهان ترک» قرار می‌دهد، خودداری ورزد و افزوده است که گشودن دو جبهه نظامی و سیاسی یکی در اوکراین و یکی در آسیای میانه فقط می‌تواند روسیه را تضعیف کند.»

تمام این اظهارنظرها روشن می‌کند که ترکیه بشدت از سرکوب تروریست‌های داعشی ناراحت است و قزاقستان را منطقه ایمنی خویش به حساب می‌آورد. این واکنش‌های عصبی توسط نشریات نزدیک به اردو خان شبهه دست‌داشتن شتابزده ترکیه در این اغتشاشات را، که منجر به انحراف مبارزه بحق طبقه کارگر شده بود، افزایش می‌دهد.

ضرورت مبرم وجود حزب طبقه کارگر کمونیستی

دهم- و خلاصه کلام این که کارگران و توده زحمتکش و جوانان آغازگر این اعتراضات بحق و خودجوش بودند که پس از مدت اندکی توسط عناصر تروریست، که هیچ ربطی به مطالبات مردم نداشتند، مصادره و از مسیر اصلی خود منحرف و سرکوب شد. این حرکت یکبار دیگر نشان می‌دهد، اعتراضاتی که فاقد رهبری انقلابی باشند، به پیروزی نخواهند رسید. بحران اقتصادی و تشدید اعمال سیاست‌های نئولیبرالی زمینه‌ساز طغیان و برانگیختگی توده مردم گشت. امروز در قزاقستان اپوزیسیونی قوی و متشکل و قانونی و یا مخفی وجود ندارد، کل حوزه سیاسی پاکسازی شده است. حزب «کمونیست» قزاقستان (بخوانید رویزیونیست- توفان)، که از زمان خروشچف زایل شده بود، در سال ۲۰۱۵ سرانجام برچیده شد.

حوادث قزاقستان، که با برجای گذاشتن بیش از ۱۶۰ کشته و هزاران زخمی و بازداشتی همراه بوده است، یکبار دیگر نشان می‌دهد که اعتراضات مردم هر اندازه بدون آمادگی و بدون در نظر گرفتن توازن قوای طبقاتی وارد مبارزه قهرآمیز گردد، خشونت ضدانقلاب متمرکز و فشرده‌تر خواهد شد. این طغیان نشان داد که همه جنبش‌های فاقد رهبری سرکوب می‌شوند. برای پیروزی در اعتراضات و یا قیام توده‌ای به نیروی رهبری‌کننده و عامل آگاه سیاسی و یا شرایط ذهنی نیاز است. این عامل آگاه باید هوشیار باشد و با تحلیل صحیح از تضادهای داخلی و بین‌المللی، تشخیص درست از دشمن و ظرفیت‌های موجود و توازن نیروها و طرح شعارهای متناسب با سطح آگاهی کارگران و زحمتکشان گام به گام به جلو حرکت کند و مطالباتی را بر بورژوازی حاکم تحمیل نماید. برای دست یافتن به چنین پیروزی نیاز به ستاد فرماندهی واحد است. کارگران و زحمتکشان بی‌رهبر و یا رهبران بی‌سپاه هرگز قادر به پیروزی نیستند. بزرگترین درس اعتراضات عمومی مردم قزاقستان، جنبش کارگران و فرودستان برای غلبه بر رژیم الیگارشی حاکم و درهم‌شکستن ماشین سرکوب آن به حزب مارکسیستی - لنینیستی نیاز است که با رویزیونیسم و انحرافات گوناگون آنارشیستی و آنارکوسندیکالیستی و ترنسکیستی تصیفه حساب کرده باشد. طبقه کارگر بدون حزب نیرومند خویش گوشت دم توپ بورژوازی است.

ما کمونیست‌ها، که انترناسیونالیست هستیم، با طبقه کارگر قزاقستان و توده محروم ابراز همبستگی می‌کنیم؛ ضمن حمایت از مطالبات محقانه‌شان هرگونه سرکوب و بازداشت را به بهانه مبارزه علیه توطئه و مداخلات خارجی و تروریستی محکوم می‌کنیم. در حوادث قزاقستان کارگران و زحمتکشان و توده محروم قربانیان مداخلات تروریستی و سیاست سرکوب و اصلاحات نئولیبرالی هستند. طبقه کارگر قزاقستان می‌بیند که به رغم ثروت عظیم نفتی و گازی و اورانیوم و به رغم اعتصابات قهرمانانه کارگری و اعتراضات توده‌ای در فقر مطلق به‌سر می‌برد و بدون سازماندهی و رهبری حزب ماهیتاً کمونیستی قادر به آزادی خویش و سایر ستمدیدگان نیست.